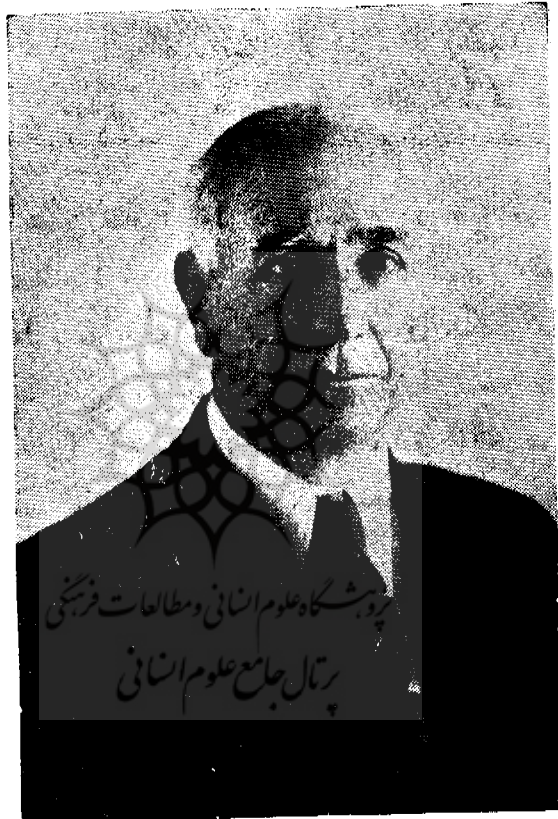


# میرزا محمد علیخان تربیت (۱)

مختصری از ترجمه حالات وی

بقلم یکی از پیشوایان آزادی تبریز که فعلا در اروپاست



(۱) جای بسی تعجب است که شرح حال این مرد بزرگ آزادی خواه را چون بقلم یکی از پیشوایان بااطلاع و فدا کار مشروطیت و آزادی است چند ماه پیش ازین آنگاه که بادره راهنمای نامه نگاری رفته بود در صدد توقیف و ضبط مقاله بر آمدند و بدین سبب فرستنده مقاله را باز پس گرفت و اینک پس از خمود و خموشی آن آتش بادره ارمغان رسیده و طبع گردید.

آقا میرزا محمد علیخان معروف به (تربیت) پسر میرزا صادق پسر میرزا جواد پسر میرزا محسن تبریزی بود خود پدر آن مرحوم از اسامی اجداد خود فقط تا میرزا محسن را میگفت که ایشان از اخلاف میرزا مهدی استرآبادی مورخ نادر شاه افشار هستند لکن یکی از منسوبین آقا میرزا صادق پسر مرد قدیمی که تاجری بود حاج محمد نام اسامی اجداد ایشانرا بعد از میرزا محسن نیز نقل میکرد که میرزا محسن پسر آقا رجب و او پسر آقا اسمعیل بوده در اینصورت اگر نسبتی بامیرزا مهدی منشی در میان باشد شاید از طرف مادری میرزا صادق یا میرزا جواد بوده است .

میرزا محسن ظاهراً اهل قلم و مستوفی بوده و میرزا جواد معروف بتحویله‌دار بود و ظاهراً تحویلدار ناصرالدین شاه در عهد ولیعهدی او در تبریز بوده چنانکه خاطر می‌آید که مرحوم میرزا صادق میگفت که موقع وفات محمد شاه و عزیمت ناصرالدین شاه بطهران مرحوم میرزا تقیخان وزیر نظام (امیر نظام) و امیر کبیر قراهانی) در همان خانه که میرزا صادق تا آخر عمر اقامت داشت و مرحوم میرزا محمد علیخان هم همانجا بدنیا آمده در اطاق بیرونی که نشان میداد بابعضی رجال دیگر در خانه آمده و نشسته و بامیرزا جواد تحویلدار (جد صاحب ترجمه) و دیگران ترتیب تدارکات و خرج سفر ولیعهد را بطهران میدادند .

مرحوم آقا میرزا علیخان در محرم سنه ۱۲۹۲ قمری هجری (گویا ۲۰ محرم) بدنیا آمده بود مشارالیه دومین پسر مرحوم میرزا صادق بود و از همان مادر خودش چهار برادر دیگر و گویا دو خواهر داشت برادر بزرگتر از او در ایام طفولیت مرحوم تربیت شاید در حدود ۱۳۰۰ هجری قمری یا اندک قبل و بعد در زمانی که جوان رسیده بود در باغی زیر دیوار ماند و تا چند روز اثری از او پیدا نشد و معلوم نبود چه شده و بعد جسد او پیدا شد

برادران دیگر اوعبارت بودند از مرحوم میرزا علی محمد خان که در فتح طهران از طرف مجاهدین در سنه ۱۳۲۷ هجری قمری از پیشروان عمده فاتحین بود و در ماه رجب سنه ۱۳۲۸ در خیابان لاله زار بدست اشرار کشته شد و نیز میرزا رضا خان تربیت که معروفست و از پیشروان آزادی طلبان تربیز بود و از سال ۱۹۱۷ مسیحی تا کنون مقیم اروپاست و فعلا در سوئیس متوقف است بر ادروسوم وی میرزا غلام علی خان تربیت است که فعلا در طهران است و وثائق فرهنگ فارسی و آلمانی است .

مرحوم تربیت برادر و خواهری هم از نامادری خویش داشت که از حال آنها فعلا خبری ندارم و شاید هنوز در تربیز باشند .

مرحوم تربیت ابتدا تعلیم ابتدائی را در (مکتب ملا زین العابدین) دیده و از اوان طفولیت و مکتب رفتن دوست و رفیق آقا سید حسن (معروف به تقی زاده) بود که همسایه بودند و بعد این دوستی و همدرسی و همکاری و اشتراک در زندگی تا سال ۱۳۲۴ قمری مداومت داشت که تقی زاده بطهران رفت و داخل مجلس شورای ملی شد در اوایل همان سال هم با او آخر سال قبل مرحوم تربیت با خواهر تقی زاده ازدواج کرد و از او دو پسر (اردشیر و همون) و دو دختر (فرنگیس و ایران) دارد .

آقا میرزا محمد علیخان از ابتدا جودت ذهنی داشت و در تحصیلات عربی هم زود ترقی کرد چون مرحوم پدرش منجم بود او هم شوقی به علم نجوم و هیئت پیدا کرد و کم کم در علوم ریاضی مایه پیدا نمود بعدها بتحصیل طب پرداخت و ابتدا پیش مرحوم میرزا نصرالله خان (سیف الاطباء) که سه چهار سال قبل در طهران مرحوم شد و بعد پیش دکتر محمد خان کرمانشاهی معروف به کفوری که با حسنعلی خان امیر نظام گروسی بتبریز آمده بود از سال ۱۳۱۰

تا چند سال بعد در تبریز بود) این رشته را تحصیل میکرد مرحوم میرزا نصرالله خان پسر میرزا عبدالعلی سیف‌الاطبا بود که با پدر مرحوم تربیت دوست قدیم بودند و در زبان فرانسه و انگلیسی و علوم جدید از بهترین تربیت شدگان تبریز و بر اغلب معاصرین خود مقدم بود.

آقا میرزا محمد علیخان در ادبیات و علوم مختلفه و جدیده جوانی خود را صرف کرد و از اوایل سلطنت مظفرالدین در راه تمدن و بیداری سعی داشت در تمام این دوره تحصیل و عمل با رفیق سابق الذکر خود همقدم و همکار بود و همچنین با بعضی از مردمان بیدار تبریز مانند آقا میرزا سید حسین خان عدالت صاحب سه روزنامه جدید و عدالت و صحبت و با آقا سید محمد شبستری (که بعداً معروف با بوالضیاء شد) مدیر روزنامه ایران نو عهد مشروطیت و غیر هم آمیزش و علقه داشت. در سنه ۱۳۱۶ قمری این چهار نفر به همراهی همدیگر کتابخانه (یعنی کتابفروشی) بطرز جدید در تبریز تأسیس کردند که تا ۱۳۲۶ قمری دوام داشت و در موقع حمله اردوی محمد علی شاه به تبریز بلافاصله پس از توپ بستن مجلس کتابخانه تاراج و احراق شد.

در همان اوقات تأسیس کتابخانه و قدری بعد از آن این چهار نفر رفیق بتأسیس مدرسه نیز با اصول جدید اقدام کردند که بعد از مدرسه کمال اولین مدرسه جدید ملی تبریز بود و قبل از مدرسه کمال که یکی دو سال قبل از آن تأسیس شده بود ابتدا مدرسه در تبریز نبود بجز مدرسه دولتی مظفریه معروف به معلمخانه که شعبه دارالفنون طهران بود و فقط اولاً در باربان و لیعهد و امثال آنها آنجا تحصیل میکردند، البته مدرسه‌های قدیم برای طلاب علوم دینی وجود داشت که پنج مدرسه بود لکن جوانان و اطفال در مکاتب قدیمه پیش آخوند‌های مکتبی تحصیل میکردند و فقط یکی ازین مکاتب اندکی ترتیب تعلیم جدید

داشت که حاجی میرزا حسن رشديه و برادر او دایر کرده بودند .  
 مدرسه و کتابخانه که مرحوم تربیت و سه نفر رفیق او تأسیس کردند  
 باسم تربیت بود و از همان کتابخانه اسم تربیت بعدها برای مرحوم آقا میرزا  
 محمد علیخان ماند بعدها آن مرحوم و رفیقش يك دواخانه نیز تأسیس کردند و  
 قدری بعد در سنه ۱۲۲۱ قمری مجله باسم گنجینه فنون در تبریز دائر شد که  
 مؤسسين آن چهار نفر بودند یکی مرحوم تربیت که قسمتی از آنرا باسم کتاب  
 هنرآموز راجع بصنایع مختلفه مینوشت و در هر شماره (که دو هفته یکبار نشر  
 میشد) يك ورق از آن چاپ میشد که در آخر امر بالحق و جمع آن اوراق  
 کتابی باصفحات دارای شماره متسلسل بوجود میآمد قسمت دیگر راهم که  
 بهمان ترتیب کتاب مستقل بتفاریق نشر میشد (در هر شماره يك ورق ۴ صفحه)  
 مرحوم میرزا یوسفخان آشتیانی اعتصام دفتر پسر اعتصام الملك (که بعدها  
 اعتصام الملك و مدیر مجله بهار و رئیس کتابخانه مجلس شورای ملی شد) از ترکی  
 عثمانی ترجمه میکرد و قسمت دیگر عبارت بود از کتاب «تمدنات قدیمه» باز  
 بهمان سیاق کتاب مستقل که آقا سید حسن سابق الذکر که بعدها معروف به  
 تقی زاده شد از کتاب (کوستاولوبون) فرانسوی ترجمه میکرد و قسمت چهارم را  
 که اخبار متفرقه مجله و ورق اول (یعنی ۴ صفحه اول) بود باز همان آقا سید  
 حسن تهیه میکرد گاهی آقا میرزا سید حسینخان (عدالت) و اعتصام دفتر نیز  
 چیزی مینوشتند . این مجله یکسال تمام منتشر شد دور طهران و تبریز رواج  
 خوب داشت در آخر یکسال تعطیل شد و بعد مرحوم تربیت بهمراهی آقا سید  
 حسن مذکور به قفقاز و اسلامبول و مصر رفت و روز نوزد ایرانی وارد اسکندریه  
 ۱۳۲۲ در اسلامبول بود پس بمصر رفت و روز نوزد ایرانی وارد اسکندریه  
 شد و چند ماهی در قاهره بود در اواخر تابستان از آنجا بیروت رفت و قریب

۵۰ روز در بیروت بود که در آن میان سفری نیز قدر یک هفته بدمشق کرد و باز بیروت برگشت و از آنجا باز از راه اسلامبول و قفقاز به تبریز برگشته و در شعبان سنه ۱۳۲۳ قمری وارد تبریز شد.

چند ماه بعد از ورود به تبریز ازدواج کرد و یکسال بعد از ورود به تبریز آنجا انقلاب شد و مردم بقونسولخانه انگلیس رفتند مرحوم تربیت هم رفت و از آن تاریخ دخالت در امور عامه پیدا کرده و از عمال انقلاب بود بعد انجمن ملی (نوبر) را در واقع او تأسیس کرد و یا از ارکان عمده آن بود. در موقع دوام مجلس اول یکبار بطهران رفت و باز به تبریز برگشت و پس از واقعه توپ بستن مجلس و حمله قشون دولتی به تبریز وی از تبریز با تبدیل لباس بیرون رفت و بیاد کوبه رسید و از آنجا بهمراهی حسین آقا پسر حاج میرزا حسن تاجر (آقای پرویز صاحب کتابخانه طهران) و تقی زاده از راه دین پاریس رفتند بعدها مشارالیه بلندن و کمبریج رفته و سه چهار ماهی مهمان مرحوم پروفیسور (برون) مستشرق انگلیسی بود یعنی مرحوم برون برای اینکه با حساسات دو نفر مهمان خود مرحوم تربیت و تقی زاده گران نیاید بر حسب ظاهر برای آنها کاری با حقوق معتدلی در کتابخانه دارالفنون کمبریج پیدا کرده بود ولی در معنی و باطن امر حقوق کذائی را خود از کیسه خود میداد و این امر چند سال بعد معلوم شد.

در اواخر پائیز سال ۱۹۰۸ مسیحی مرحوم تربیت از انگلستان باسلامبول رفت و در آنجا در جزء کارکنان ملی ایران و انجمن سعادت با سایر مهاجرین از مشروطه طلبان ایران مانند مرحوم معاضد السلطنه و آقای دهخدا و مرحوم دولت آبادی و غیرهم کار میکرد و قتیکه رشت در ۱۶ صفر ۱۳۲۷ قمری از طرف مجاهدین فتح شد و یکی از سران و رؤسای آنها مرحوم میرزا علی محمد خان برادر صاحب ترجمه بود مرحوم تربیت برشت رفت و تا آنجا که خاطر

دارم از طرف انجمن آنجا مشارالیه بهمراهی دکتر اسمعیل خان (امین‌الملک  
حالیه) با اروپا برای کار کردن در محافل اروپا فرستاده شدند .

بعد از فتح طهران از جانب انقلابیون وی به تبریز رفت و اندکی بعد  
بوکالت مجلس انتخاب شده و با خانواده بطهران رفت . بعد از انفصال آن مجلس  
(مجلس دوم) بر اثر (اولتیماتوم) های روس و حمله روس بایران و اخراج شوستر  
آمریکائی مرحوم تربیت باسلامبول رفت و چندی در آنجا بود و باز کتابخانه  
در آنجا دائر کرد و از وقت خود در مراجعه بکتاب و نسخه های خطی  
کتابخانه های عمومی اسلامبول استفاده خوبی کرد در همان اثنا کتابی بعنوان  
«ورقی از دفتر مطبوعات ایران» در فهرست جراید ایران تألیف نمود و پیش  
مرحوم پروفیسور برون فرستاد و او آنرا بانگلیسی ترجمه و نشر کرد و قدری  
بر آن اضافه نمود اگرچه فهرست جراید ایران تألیف (رایینو) که در رشت  
طبع شده قبل از انتشار کتاب مرحوم تربیت منتشر شده بود ولی در آن موقع  
مرحوم تربیت کتاب خود را تمام کرده بود .

مرحوم تربیت چندی هم در بادکوبه بود و ریاست مدرسه ایرانیان آنجا  
را داشت و خدمت خوبی کرد ، در ایام جنگ اروپا وی در اسلامبول بود و در  
اواخر جنگ به برلن رفت و بعد خانم او برای معالجه آنجا رفت و عمل جراحی  
کرد و در آنجا یکسال و نیم ماند تا اوقات کرد ولی مدتی قبل از وفات وی مرحوم  
تربیت باسلامبول برگشته و چندی بعد از وفات خانم اول خود دوباره ازدواج  
کرد این خانم دانشمند فعلا در طهران بوده و مشغول خدمات فرهنگی است  
دو پسر هم از او دارد که صغیر هستند . بعد مشارالیه به تبریز رفت و چند سال رئیس  
معارف آذربایجان بود و بعد چندی رئیس بلدیة تبریز شد و در میان این دو  
ماموریت قریب دو سال رئیس معارف گیلان بود در تبریز کتابخانه عمومی خوبی  
تأسیس کرد که هنوز دائرست و همچنین کتابخانه در رشت بنا کرد . بعدها بسمت

وکالت در مجلس شورای ملی بطهران رفت و تا آخر عمر در همان سمت در همانجا بود و در ۲۶ دیماه ۱۳۱۸ هجری شمسی بمرك فجا رحلت کرد .

اولین آثار ادبی مشارالیه کتاب زاد و بوم است در جغرافی طبیعی و سیاسی و تاریخی ایران که در تبریز چاپ شده و مشتمل است بر دو قسمت قسمت اول جغرافی فعلی ایران است و قسمت دوم جغرافی تاریخی و فهرستی از سلاطین ایران از کوروش هخامنشی تا مظفرالدین باسال جلوس و وفات . این قسمت اخیراً رفیق آن مرحوم (آقاسید حسن) بخواش او تهیه کرده است . آخرین تصنیف وی کتاب دانشمندان آذربایجان است ، در مجله گنجینه فنون نیز شرکت داشت کتاب فهرست جراید ایران و مجله گنجینه معارف و تقویم تربیت نیز از آثار اوست .

مرحوم مشارالیه یادداشتهای زیادی داشت و بهترین و کاملترین جنبه علمی او اطلاع خیلی وسیع از کتب بود و از نسخه های خطی و چاپی کتب فارسی و عربی و ترکی در هر نقطه خبر داشت و درین باب علامه بود . کتابخانه شخصی خوبی هم داشت که نسخه های خوب نادر الوجود دارد و جای آن دارد که يك کتابخانه عمومی دولتی یا ملی آنرا بیکجا بخرد و گمان دارم فن کتابشناسی در میان جمله معلومات و هنرهای وی که شامل فنون مختلفه از نجوم و رسم و جفر و اسطرلاب تا علم موسیقی و فیزیک بود کاملترین هنرهای وی بود و در واقع مثل محمد بن اسحق اندیم الوراق مؤلف کتاب الفهرست و حاجی خلیفه یا کاتب چلبی مؤلف کشف الظنون از قدماء و یا بروکمان مؤلف فهرست کتب عربی موجوده و استوری مؤلف کتب فارسی موجوده وی نیز احاطه درین فن داشت که بعضی از اهل فضل او را به (مسترالس) انگلیسی که علامه کتابشناسی شرقی است تشبیه کرده اند و بحقیقت آن مرحوم يك فهرست الکتب ناطقی بود و شاید بهمین جهت «فهرست الکتب ناطق» ماده تاریخ وفات اوست .